

ادب عربی، سال ۱۰، شماره ۲  
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

## کتابشناخت:

### مآخذ ابیات و عبارات عربی مقامات حمیدی (بخش دوم)

سید مرتضی حسینی\*

استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

(از ص ۳۱۳ تا ۳۳۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

## چکیده

مقامه‌نویسی در نثر فارسی، اولین بار با مقامات قاضی حمیدالدین ابوبکر محمد بن عمر بن علی بلخی، از شاهکارهای متون نثر فارسی در قرن ششم، پدید آمد. این اثر از یک مقدمه، ۲۳ مقامه و یک خاتمه تشکیل شده است. مقامه‌نویسی که مکتبی بر ساختار روایت و قصه‌پردازی است، در زبان فارسی با تفاوت‌هایی از اسلوب نگارش مقامات عربی بدیع‌الزمان همدانی و ابوالقاسم حریری تقلید می‌نماید. این کتاب که به سبک نثرهای مصنوع فارسی نگاشته شده، چه از حیث صورت که از آرایه‌های لفظی و معنوی و واژگان مهجور استفاده کرده و به آیات، احادیث، اشعار و امثال عربی استشهاد نموده و چه از حیث محتوا که بازتاب اوضاع اجتماعی روزگار نگارنده است، قابل اعتناست. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا حمیدی در استفاده از اشعار و عبارات عربی مقامات، ابداع و ابتکار به خرج داده یا از لفظ و مضمون سخنان گویندگان پیش از خود اقتباس نموده است؟ از آن جا که تاکنون درباره ابداعی یا تقلیدی بودن اشعار و عبارات عربی مورد استفاده در مقامات حمیدی، تحقیقی جامع صورت نگرفته، در این جستار، تلاش شده است با روش جستجو در مآخذ و منابع موجود، مواردی که حمیدی از متون عربی استفاده نموده بیان شود.

**واژه‌های کلیدی:** مقامات حمیدی، قاضی حمیدالدین بلخی، ابیات و عبارات عربی، مآخذ و گویندگان.

## ۱. مقدمه

مقامات حمیدی اثر «قاضی حمیدالدین بلخی» (فوق ۵۵۹ هـ.ق) به تقلید از مقامات عربی «بدیع الزمان همدانی» (فوق ۳۹۸ هـ.ق) و «ابوالقاسم حریری» (فوق ۵۱۶ هـ.ق) به زبان پارسی نگاشته شده است. این کتاب شامل یک مقدمه، ۲۳ مقامه و یک خاتمه می‌باشد.

کلمه مقامه به فتح اول یا مقامه به ضم اول از ریشه (قَامَ يَقُومُ قَوْمًا و قَوْمَةً و قِيَامًا و قَامَةً)، در اصل یک لغت عربی است با چندین معنا که پس از تغییر معنا در ادوار مختلف ادبی و اجتماعی، سرانجام در قرن چهارم هجری برای فنّ خاصی از نثر عربی مصطلح شده و مشهور گردیده است (ابراهیمی حریری، ۱۳۴۱: ۳). مقامه به طور کلی از انواع داستان‌های کهن است که با نثر مصنوع آمیخته با شعر در مورد قهرمانی است که به صورت ناشناس در داستان ظاهر می‌شود و حوادثی به وجود می‌آورد و همین که در پایان داستان شناخته می‌شود، ناپدید می‌گردد تا آن که دوباره در هیبتی دیگر، در مقامه بعدی آشکار گردد (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۰۷). آهنگین بودن لغات، موسیقی عبارات، مترادف بودن کلمات، آرایش نثر با اشعار فارسی و عربی، وجود آیات و احادیث و امثال عربی و استفاده گسترده از سجع از ویژگی‌های اصلی مقامات است. در این نوع ادبی، محتوای کلام تحت تأثیر آرایه‌های لفظی و معنوی قرار می‌گیرد.

مقامات حمیدی که به سال ۵۵۱ هـ.ق. تألیف شده، از جمله نثرهای مصنوع و متکلف قرن ششم هجری است که از ویژگی‌های بارز آن به کار بردن اشعار و عبارات عربی در اثنای کلام است. این اثر در سال ۱۳۶۵ شمسی توسط دکتر رضا انزابی‌نژاد با افزودن تعلیقات و پیش‌گفتاری محققانه، تصحیح و به جامعه دانشگاهی عرضه شد. با این که یافتن مآخذ و گویندگان اشعار و عبارات گنجانده شده در یک متن منثور، از الزامات تصحیح به شمار می‌رود؛ اما عنایت مصحح به تعیین تمامی مستندات، کمرنگ جلوه می‌نماید. شاید دلیل امر، این دیدگاه مصحح محترم درباره گوینده اشعار عربی و فارسی مقامات حمیدی است که می‌گوید: «(بلخی) متعمد بوده است که حتی اشعار نیز -تا آن جا که مقدور بوده- سروده خود او باشد و گویی این کارش را هنر قلمداد کرده‌است:

با مایه خود بساز و چون بی‌هنران      سرمایه به عاریت مخواه از دگران

(بلخی، ۱۳۶۵: ۱۰)

بی‌گمان مأخذیابی ابیات عربی این کتاب که بالغ بر ۲۹۸ بیت است و نیز توجه به مأخذ عبارات عربی آن، جهت پی‌بردن به منابع نویسنده که آیات قرآن کریم، احادیث و مثل‌های عربی از جمله آن منابع است، می‌تواند حایز اهمیت باشد. هدف راقم این سطور، ذکر مأخذ و گویندگان آن دسته از متون عربی مقامات حمیدی است که اقتباسی بودن آن‌ها از چشم مصحح فرزانه پوشیده مانده است. بنابراین اگر ابیات یا عباراتی عربی در مقامات حمیدی باشد که مصحح محترم یا نگارنده، به مأخذ یا گوینده آن اشاره‌ای نکرده، قطع به یقین می‌توان دانست که آن برآمده از ذهن و زبان حمیدالدین بلخی است.

شماره صفحات ارجاعات درون متنی، بر اساس نسخه چاپ شده به سال ۱۳۶۵ مرکز نشر دانشگاهی تهران به تصحیح دکتر رضا انزابی‌نژاد می‌باشد. از آن جایی که مصحح ارجمند، با قلم شیوای خود به ترجمه ابیات و عبارات عربی مبادرت ورزیده‌اند، ترجمه مجددی از این متون، توسط نگارنده مقاله، ارائه نشده است.

درباره مأخذ ابیات و عبارات عربی متون ادب فارسی، مقالاتی با عناوین «یادداشت‌هایی درباره ابیات عربی کلیده بهرام‌شاهی و مأخذ و گویندگان آن ابیات» و «مأخذ ابیات عربی مرزبان‌نامه» از دکتر احمد مهدوی دامغانی؛ «ابیات عربی نامه‌های عین‌القضات همدانی»، «پژوهشی در اشعار عربی تاریخ جهانگشای جوینی» و «پژوهشی در اشعار عربی مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه» از دکتر سعید واعظ؛ «نگاهی به ابیات و عبارات عربی دیوان دهخدا» از دکتر مصطفی کمال‌جو و علیرضا پورشبانان؛ «مأخذ و گویندگان اشعار عربی سندبادنامه» نوشته حامد خاتمی‌پور و مقاله «پژوهشی در اشعار عربی مقدمه و خاتمه تاریخ بی‌هق» از سلمان ساکت به رشته تحریر درآمده؛ اما درباره مأخذیابی متون عربی مقامات حمیدی تاکنون تحقیقی انجام نشده است.

## ۲. بررسی مأخذ متون عربی

### ۱-۲. وَ الْعَقْلُ يَشْكُ وَ يَرِيْبُ وَ الرَّأْيُ يُخْطِئُ وَ يُصِيبُ (ص ۱۰۰)

از اقوالی است که در کتاب‌های متعدد حدیثی و تاریخی، در اکثر موارد، به نقل از «مکحول شامی»- از فقهای اهل سنت متوفای ۱۰۰ هجری، مشهور به فقیه شامی- وارد شده است (ر.ک: مسلم، ۱۴۱۲: ۲۱۴۴/۴ و أحمد بن حنبل، ۲۰۰۱: ح ۱۸۸۸۵ و ذهبی، ۱۴۱۰: ۴۸۰/۷).

«میرزا محمدتقی لسان‌الملک» متخلص به «سپهر» (۱۲۹۷-۱۲۱۶ق) در کتاب *ناسخ التواریخ* - بخش احوال امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup> - برای بیان اهمیت مشورت و تشویق به آن آورده است: «و در تمامت امور که العقل يشك و يريب و الرأي يخطئ و يصيب مشاورت را از دست نباید داد و شاورهم في الأمر، لا مظاهره أوثق من المشاورة» «در کارها با ایشان مشورت کن، هیچ پشتیبانی اطمینان بخش تر از مشورت نیست».

در همه کار مشورت باید کار بی مشورت نکو ناید

(سپهر، ۱۳۸۴: ۷۴/۱)

بی‌شک خوانندگان فاضل توجه دارند که عبارت مورد بحث، از باب توجه به این نکته است که اتکای کامل به خطورات ذهنی، امری شایسته نیست. از امام علی<sup>(ع)</sup> وارد شده: «أَتَمُّوا عُقُولَكُمْ فَإِنَّهُ مِنَ الثَّقَةِ بِهَا يَكُونُ الْخَطَاءُ» (ر.ک: آمدی، غرر الحکم، ح ۲۵۷۰) «عقل خویش را زیر سؤال ببرید؛ زیرا از اعتماد به آن، خطاها سرچشمه می‌گیرد». یعنی هر چند در روایات متعدد از عقل به‌عنوان حجت خدا یاد شده و آنچه که حجت خدا باشد خطا در آن راه ندارد؛ اما معنای حجت بودن عقل، احتجاج خداوند است به عقل بر بندگان؛ لذا مراد از (عقل) در کلام مولا علی<sup>(ع)</sup> همان (فهم) خواهد بود، یعنی به آنچه فکر می‌کنید تکیه نکنید.

## ۲-۲. الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ (ص ۱۲۲)

حدیثی است بسیار معروف از رسول اکرم<sup>(ص)</sup> (ر.ک: ابن سلام، ۱۹۶۴: ۳۲/۲ و ابن راهویه، ۱۹۹۱: ۴۲۸/۱) که ایشان صبر و تأنی را موهبتی از جانب خداوند متعال و شتاب‌زدگی را از شیطان دانسته‌اند. البته این فرمایش با سایر آیات قرآن کریم و دیگر احادیث به ظاهر متناقض - که انسان را دعوت به سبقت و شتاب می‌کند - تناقض ندارد؛ چرا که قطعاً مراد، تشویق و ترغیب به شتاب کردن در انجام خیرات بوده (ر.ک: بقره: ۱۴۸ و آل عمران: ۱۱۴ و مانده: ۴۸ و انبیاء: ۹۰ و مؤمنون: ۵۶ و ۶۱) که از مصادیق آن است: «كَانَ يُقَالُ الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ إِلَّا فِي حَمْسٍ، فَإِنَّهَا مِنْ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَوَالِدِهِ وَسَلَّمَ: إِطْعَامُ الضَّيْفِ إِذَا حَلَّ، وَتَجْهِيْزُ الْمَيِّتِ إِذَا مَاتَ، وَتَزْوِيْجُ الْبِكْرِ إِذَا أَدْرَكَتْ، وَقَضَاءُ الدَّيْنِ إِذَا حَلَّ وَوَجَبَ، وَالتَّوْبَةُ مِنَ الذَّنْبِ إِذَا وَقَعَ» (ر.ک: أبو حیان توحیدی، ۱۴۲۴: ۲۰۳ و ۲۹۳).

## ۲-۳. سِيرُوا سِيرَ أضعفكم (ص ۱۲۹)

از احادیث پیامبر (ص) است (ر.ک: ابن ابی جمهور احسائی، ۱۴۰۵: ۲۸۴/۱ ح ۱۲۷ و محدث نوری، ۱۹۸۸: ۲۴۶/۸ ح ۹۳۵۹). ابن اثیر، صاحب المثل السائر در بحث ایجاز به تقدیر، به حدیث - با اختلاف در ضبط «سیر» به جای «سیر» - استشهد و آن را با حدیث هم مضمون «المضعف أمیرُ الركب» مقایسه کرده و پس از ذکر دلیل وجود واژه (امیر) یعنی شخص واجب الحکم و متبّع در حدیث دوم، حکم به بلیغ تر بودن آن داده است (ر.ک: ابن اثیر، د.ت: ۲۶۶/۲ و ۲۶۷).

## ۲-۴. أنت في حالٍ و أنا في حالٍ (ص ۱۲۹)

گویا صاحب مقامات به این ضرب المثل نظر داشته که گفته‌اند: «أنت في وادٍ و أنا في وادٍ». و این مثل «مثلی است که در موارد اختلاف نظر و مقاصد، آن را آرند. وادی به معنای طریقه و مذهب است. گویند: فلانی در وادیی بجز وادی تو است؛ یعنی طریقه او بجز طریقه تو است. در قرآن کریم آمده است: «ألم تر أنهم في كلِّ وادٍ يهيمون» (شعراء: ۲۲۵) (ر.ک: لغتنامه دهخدا، ذیل وادی و زیبایی، بی تا: ۱۸۶/۴۰ ذیل وادی). البته شایان ذکر است تا آنجا که از جستجوی کتاب‌های امثال عربی همچون الأمثال سدوسی، الأمثال قاسم بن سلام، الأمثال المولدة أبوبکر خوارزمی، الأمثال أبوالخیر هاشمی، جمهرة الأمثال أبوهلل عسکری، مجمع الأمثال میدانی نیشابوری، زهر الأکم فی الأمثال و الحکم یوسی، السحر الحلال فی الحکم و الأمثال احمد هاشمی، نظم اللال فی الحکم و الأمثال عبدالله فکری پاشا میسر شد مثل مذکور یافت نشد. معادل فارسی این سخن، پاره دوم بیت زیر از قصیده‌ای است دلکش از شیخ اجل «سعدی» که فرماید:

ای که گفתי مرو اندر پی خوبان زمانه ما کجاییم در این بحر تفکر تو کجایی  
(سعدی، ۱۳۸۳: ۵۴۷، غزل ۵۰۹)

## ۲-۵. رأس اللب عرفان الحریف (ص ۱۲۹)

این عبارت در کتاب دمیة القصر «باخرزی» در ضمن قصیده‌ای که در مدح «شریف ابوطالب محمد بن عبدالله دمشقی انصاری» از هم‌عصرانش سروده، آمده‌است، بدون آن که انتساب آن ذکر شود (ر.ک: باخرزی، ۱۴۱۴: ۲۱۱) بعید نیست از او باشد. محمد غازی

ملطیوی در *روضۃ العقول* نیز بدان استشهاد کرده است (ر.ک: محمد غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۴۰۱).

## ۲-۶. وَ اِهْدِنَا سَوَاءَ الصِّرَاطِ (ص ۱۲۹)

برگرفته است از آیه شریفه «إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَرَّغَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغِي بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ» (ص: ۲۲).

## ۲-۷. السَّفَرُ مَعْيَارُ الْأَخْلَاقِ (ص ۱۲۹)

این حدیث، با اختلاف در ضبط، به پیامبر (ص) و مولا علی (ع) نسبت داده شده است. پیامبر گرامی (ص) می‌فرماید: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ رَحْمَةَ اللَّهِ لِلْمَسَافِرِ لَأَصْبَحَ النَّاسُ عَلَى ظَهْرِ سَفَرٍ، وَ هُوَ مِيزَانُ الْأَخْلَاقِ، إِنَّ اللَّهَ بِالْمَسَافِرِ رَحِيمٌ» (ر.ک: ابشیهی، ۱۴۱۹: ۲۸۷) «اگر مردم رحمت خداوند را در حق مسافر بدانند، از بامداد، بر پشت مرکب سفر به سر می‌بردند و آن وسیله سنجش اخلاق است، قطعاً خداوند نسبت به مسافر مهربان است».

ابوهلال عسکری که حدیث را از فرمایشات مولا علی (ع) می‌داند می‌گوید: «سَمِّيَ السَّفَرُ سَفَرًا لِأَنَّهُ يَسْفِرُ عَنِ الْأَخْلَاقِ أَي يَكْشِفُ عَنْهَا... وَ قَالَ عَلِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: السَّفَرُ مِيزَانُ الْقَوْمِ» (د: ۱۰۶/۱ ش ۹۵) «سفر از آن جهت سفر نامیده شده که از اخلاق مسافر پرده بر می‌دارد و آن را اشکار می‌کند... علی (ص) فرمود: سفر وسیله سنجش مردم است». قریب به این کلام را راغب اصفهانی بدون ذکر گوینده می‌آورد (۱۴۲۰: ۶۴۷/۲). نیز ابن ابی‌الحدید معتزلی آن را در زمره حکمت‌های منسوب به امیرالمومنین علی (ع) نقل می‌کند (۱۴۰۴: ۲۹۴/۲۰ ش ۳۶۶) و زمخشری به صورت مجهول‌القائل سخن را به نقل از حکیمی می‌آورد: «(قال) حَكِيمٌ: السَّفَرُ مِيزَانُ الْأَخْلَاقِ لِأَنَّهُ يَفْصَحُ عَنِ مَقَادِيرِهَا فِي الْكَرَمِ وَ اللُّؤْمِ» (زمخشری، ۱۴۱۲: ۷/۳).

## ۲-۸. السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ (ص ۱۲۹)

حدیثی است از خاتم‌النبیین (ص) که در منابع حدیثی با اختلاف در ضبط -در اکثر موارد «العذاب» به جای «النار»- صورت کامل آن چنین وارد شده است: «السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ، يَمْتَنِعُ أَحَدُكُمْ نَوْمَهُ وَ طَعَامَهُ وَ شَرَابَهُ، فَإِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ هَمَّتَهُ مِنْ سَفَرِهِ، فَلْيُعَجِّلِ الرَّجُوعَ إِلَى أَهْلِهِ» (ر.ک: مالک بن انس، ۲۰۰۴: ۵/۱۴۲۵ ح ۸۰۸/۳۵۹۱؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۳۰۰/۲).

ح ۲۵۱۵) «سفر، قطعه‌ای از عذاب است، شما را از غذا و آب و خواب باز می‌دارد، پس اگر کسی از شما حاجتش را در سفر انجام داد، در مراجعت عجله نماید».

## ۲-۹. كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ كَأَنَّكَ غَابِرُ السَّبِيلِ (ص ۱۳۰)

همچنین از پیامبر<sup>(ص)</sup> است که با تفاوت اندکی در ضبط کلمات، در منابع متعدد روایی نقل شده است. (ر.ک: أحمد بن حنبل، ۲۰۰۱: ۳۸۳/۸ ح ۴۷۶۴ و شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۳۸۱ و ۴۰۲ و ۵۲۶).

## ۲-۱۰. الْمُقَدَّرُ كَأَنَّ (ص ۱۳۴)

به تصریح ثعالبی از سخنان یزدگرد سوم - آخرین پادشاه ساسانی - است (د.ت، الف: ۶۹). عجلونی آن را در شمار سخنان حضرت محمد<sup>(ص)</sup> (۲۰۰۰: ۲۵۴/۲) و دهخدا آن را در امثال و حکم آورده است (۱۳۸۳: ۹۲/۱ و ۲۷۲).

## ۲-۱۱. بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَيْسَ عَلَيَّ حُكْمُهُ مَزِيدٌ، يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ (ص ۱۳۷)

این عبارت، برگرفته از آیات شریفه «وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ» (بقره: ۲۵۳) «إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ» (حج: ۱۴) «كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (آل عمران: ۴۰) «إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (حج: ۱۸) «إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ» (مائده: ۱) است.

## ۲-۱۲. عَلَيْكَ عَيْنُ اللَّهِ (ص ۱۳۷)

جمله دعائیه است که معنای لفظی آن (چشم خدا بر تو باد) و معنای اصطلاحی آن (خدا نگهدارت باشد؛ در رعایت و حفظ خدای باشی) است. چنان‌که خداوند متعال در قرآن کریم جهت یادآوری سرگذشت حضرت موسی<sup>(ع)</sup> خطاب به او می‌فرماید: «وَلِتُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي» (طه: ۳۹) «با نگهداری من پرورش یابی».

بسیاری از اهل ادب از این تعبیر بهره برده‌اند و چون ذکر تمام آن از حوصله این مقال بیرون است، به بیان مطلع غزل دوازده بیتی سنایی غزنوی که قافیه آن تکرار عبارت فوق است بسنده می‌شود:

خه خه ای جان عَلِيكَ عَيْنُ اللَّهِ      ای گلستان عَلِيكَ عَيْنُ اللَّهِ

(سنایی، ۱۳۸۱: ۴۸۷ و ۴۸۸)

۲-۱۳. يَجَازِي الْإِحْسَانَ بِالْإِحْسَانِ وَإِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ (ص ۱۳۸)

به نظر می‌رسد صاحب مقامات در بخش اول کلام خود به آیه شریفه «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (رحمان: ۶۰) نظر داشته است. بخش دوم عبارت نیز جزء کلام رسول الله (ص) است که در منابع عامه و خاصه فراوان نقل شده؛ آنگاه که «عایشه» از علت احترام خاص حضرت (ص) به بانویی سالخورده پرسید و ایشان فرمودند: «إِنَّمَا كَانَتْ تَأْتِينَا فِي زَمَانِ خَدِيجَةَ وَإِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ» (ابن سلام، ۱۹۶۴: ۱۳۷/۳؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۸) «او در زمان خدیجه به خانه ما می‌آمد و به راستی که پیمان نیکو و رعایت آن از نشانه‌های ایمان است».

۲-۱۴. الزُّبُونُ يَفْرُخُ بِلَا شَيْءٍ وَيَحْزَنُ بِلَا شَيْءٍ (ص ۱۴۴)

بخش نخست عبارت از امثال مؤلّدین - آنان که پس از مَخْضَرَمِينَ و پیش از مُحَدَّثِينَ بوده‌اند - وارد شده است (ر.ک: میدانی، د.ت: ۳۲۷/۱).

۲-۱۵.

فَسِرْتُ فِي طَلَبِ الْأَرْزَاقِ وَالْقِسْمِ      سَحْبًا عَلَى الْوَجْهِ لَا مَشِيًا عَلَى قَدَمِ  
 طَنًّا بَأْتِي إِذَا مَا سِرْتُ مُدْلَجًا      أَدْرَكْتُ مُنِيَّةَ قَلْبٍ كَانَ فِي الْعَدَمِ  
 (ص ۱۴۹)

به نظر می‌رسد که سراینده، در مصرع دوم بیت اول، به مصرع اخیر ابیات زیر، نظر داشته است:

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَرَكِي زِيَارَتِكُمْ      إِلَّا مَخَافَةَ أَعْدَائِي وَ حُرَّاسِي  
 وَ لَوْ قَدَرْتُ عَلَى الْإِتْيَانِ زُرَّتُكُمْ      سَحْبًا عَلَى الْوَجْهِ أَوْ مَشِيًا عَلَى الرَّأْسِ

سری الرفاء دو بیت مذکور را از عباس (بن احنف) نقل می‌کند (سری الرفاء، ۱۹۸۶: ۱۳۷/۲) هرچند محقق کتاب *أنوار الربيع في أنواع البديع* پس از ایراد آن دو بیت از همان شاعر، در پاورقی کتاب گوید: آن دو بیت را در دیوان شاعر نیافته است (ر.ک: ابن معصوم، ۱۹۶۹: ۹۴/۶).

عبیدی همان دو بیت را - با اختلاف در ضبط «جئتكم» به جای «زرتكم» و «لا» به جای «أو» - به ضمیمه بیت زیر به «ابونواس» نسبت می‌دهد (۱۹۷۲: ۵۷۸) که تمام این



سه بیت در مقطوعه‌ای شش بیتی در دیوان ابونواس آمده است (ر.ک: ابو نواس، ۱۹۸۲: ۷۳/۴ و ۷۴):

مَا لِي وَ لِلنَّاسِ كَمَا يَلْحُونِي سَفَهًا      دِينِي لِنَفْسِي وَ دِينُ النَّاسِ لِلنَّاسِ

«مرا و مردم را چه شده است که از روی نادانی، درباره من بسیار به خطا می‌روند، دین من از آن من و دین مردم از آن خودشان است».

## ۲-۱۶.

دَعِ حُبَّهُنَّ فَإِنَّ الْحُبَّ أَشْرَاكُ      وَ إِنَّهِنَّ لِقَلْبِ الصَّبِّ أَتْرَاكُ  
إِذَا تَأَمَّلْتَ مَا فِيهِنَّ مِنْ خُلُقٍ      فَلَيْسَ يَجْمَعُهَا حَدْسٌ وَ إِدْرَاكُ

(ص ۱۵۳)

ابیات بالا عیناً، بدون ذکر نام سراینده آن، در (داستان پری و زاهد و زن) سندبادنامه ظهیری سمرقندی آمده است (ر.ک: ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۰: ۲۴۴) که دال بر یکی از این دو احتمال است: ابیات از حمیدالدین بلخی است و صاحب سندبادنامه که اثر خود را حداقل چهل سال بعد از وفات حمیدالدین به نگارش در آورده، ابیات را از وی - البته بدون ذکر نام - گرفته است؛ و یا دو بیت از گوینده‌ای ناشناخته بوده که هر دو نویسنده بدان استشهاد نموده‌اند.

## ۲-۱۷.

وَ مَنْ يَسْأَلِ الرَّكْبَانَ عَنْ كُلِّ غَائِبٍ      فَلَا بُدَّ أَنْ يَلْقَى بَشِيرًا وَ نَاعِيًا

(ص ۱۶۸)

از شریف رضی است در قصیده‌ای به مطلع:

أَقُولُ لِرُكْبٍ رَائِحِينَ: لَعَلَّكُمْ      تَحِلُّونَ مِنْ بَعْدِي الْعَقِيقَ الْيَمَانِيَا

(۱۹۹۹: ۴۸۹/۲)

## ۲-۱۸. و إِنَّ الدَّهْرَ ظُلُومٌ غَشُومٌ، وَ لَيْسَ الْبَيَانُ كَالْعَيَانِ (ص ۱۶۸)

تعبیر (دهر غشوم) را «ربیع بن سفیان بن سعد» ملقب به «مُرْقَش اصغر» عموی «طرفه» - شاعر شهیر جاهلی - به کار برده است:

كَمْ مِنْ أَحْيٍ ثَرْوَةٌ رَأَيْتُهُ      حَلَّ عَلَى مَالِهِ دَهْرٌ غَشُومٌ

(مفضل ضبی، د.ت: ۲۴۹)

«چه بسیار ثروتمندی را دیدم که روزگار ستمگر بر مال او فرود آمده و آن را تباه کرده است».

همچنین در *جمهرة الأمثال* در توضیح مثل (عَشْمَشَمَّ يَغْشَى الشَّجَرَ) «سیلابی درختی را می پوشاند و آن را از جا می کند»، وجه آن وصف، چنین بیان شده است: «يَقُولُونَ: الدَّهْرُ عَشْوَمٌ؛ لِأَنَّهُ يُفْسِدُ مَا يُصْلِحُ» (ر.ک: ابوهلال عسکری، د.ت: ۸۲/۲ ش ۱۲۹۲) «می گویند: روزگار ستمگر است؛ زیرا آنچه را که اصلاح می شود فاسد می کند».

قسمت دوم نظیر همان مثل مشهور «شنیدن کی بود مانند دیدن» یا «لیس الخبر کالمعينة» است (ر.ک: دهخدا، ۱۳۸۳: ۱۲۳/۱).

## ۱۹-۲.

هِيَ الْأَرَاكُةُ وَالطَّرْفَاءُ وَالْبَانُ      مُخَبَّرَاتٌ بِأَنَّ الْقَوْمَ قَدْ بَانُوا  
فَلَسْتُ أَدْرِي - وَ خَيْرُ الْقَوْلِ أَصْدَقُهُ      حَانَ الزَّمَانُ عَلَيْهِمْ أَمْ هُمْ خَانُوا  
(ص ۱۶۹)

استاد محدث ارموی «ذیل شرح «آقا جمال خوانساری» بر کتاب *غمر الحکم و دُرر الکلم* که اثر او از بهترین شروح فارسی کتاب مزبور است، درباره این سخن حضرت علی (ع) که فرمودند: «خُلِّفَ لَكُمْ عَيْرٌ مِنْ آثَارِ الْمَاضِيْنَ قَبْلَكُمْ لَتَعْتَبِرُوا بِهَا» «باقی گذاشته شده برای شما عبرت‌هایی از آثار گذشتگان قبل از شما، تا از آن‌ها عبرت بگیرید» بی‌تی را مشابه بیت نخست، بدون ذکر نام گوینده آن نقل می کند بدین شرح:

هَذِي الْمَنَازِلُ وَالْآثَارُ وَالطَّلَلُ      مُخَبَّرَاتٌ بِأَنَّ الْقَوْمَ قَدْ رَجَلُوا

(ر.ک: آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۴۴۸/۳ و ۴۴۹ و ۵۰۶۳ و رازی، ۱۴۲۲: ۴ با اختلاف اندک)  
«این منازل و خرابه‌ها (ی یار) حکایت از آن دارند که قبیلۀ محبوب بار سفر بسته‌اند و کوچیده‌اند».

با جستجو در منابع متعدد، مشخص شد بیت (هذی المنازل...) از محمد بن علی بن الحسن العودی معروف به «ابن العودی» از قاصدهای دوازده بی‌تی است که آن را در رثای استادش شیخ زین‌الدین عاملی مشهور به «شهید ثانی» سروده است (ر.ک: حرّ عاملی، د.ت: ۱۶۶/۱ ش ۱۶۹؛ سیدمحسن امین، ۱۹۸۳: ۱۵۷/۷ و ۴۲۵/۹؛ خویی، ۱۳۷۲: ۳۳۷/۱۷ ش ۱۱۳۱۱).

(خَيْرُ الْقَوْلِ أَدْفُهُ) که مشهور و مستشهد به جمع کثیری از شاعران و ادیبان بنام عربی‌گو همچون کعب بن مالک انصاری، ابوتمام، ابو فراس حمدانی، ابیوردی، سید حمیری، قاضی تنوخی، بدیع‌الزمان همدانی و... است و اشاره به اشعار یکایک آن‌ها خارج از حوصله این مختصر؛ از پیامبر<sup>(ص)</sup> است که در تفاسیر متقدمین و متأخرین ذکر شده ولی در منابع حدیثی دیده نمی‌شود! (ر.ک: عبد‌الرزاق، ۱۴۱۹: ۱۳۹/۲ و طبری، ۲۰۰۰: ۱۸۳/۱۴ و ثعلبی، ۲۰۰۲: ۲۵/۵ و مکی بن‌ابی‌طالب، ۲۰۰۸: ۲۹۶۰/۴).

۲-۲۰.

و كَمَ عَيْنٍ مُّكْحَلَةٍ الْمَاقِي و كَمَ خَدٌّ مُّقْبَلَةٍ التَّوَاجِي

(ص ۱۷۱)

صورت محرف این بیت «متنبی» و ظاهراً برگرفته از آن است:

و كَمَ عَيْنٍ مُّقْبَلَةٍ التَّوَاجِي كَجِيلٍ بِالْجَنَادِلِ و الرَّمَالِ

«چه بسیار چشمان بوسیده شده از روی اکرام که اکنون زیر خاک، سرمه‌ای از سنگ‌ها و شن‌ها بر آن است».

و آن از قصیده معروف اوست با مطلع:

نُعَدُّ الْمَشْرِفِيَّةَ و الْعَوَالِي و نَقْتُلُنَا الْمُنُونَ بِلا قِتَالِ

(متنبی، ۱۹۸۳: ۲۶۸-۲۶۵)

«شمشیرهای بُرآن مشرفی و نیزه‌های بلند را برای مقابله با دشمنان و حمایت از نزدیکان آماده می‌کنیم، اما مرگ بدون هیچ جنگ و کارزاری، ما را می‌کشد و آن سلاح‌ها بی‌فایده است».

شاید مؤلف مقامات به این بیت «ابراهیم بن هرمة» -شاعر مشهور مخضرم اموی و عباسی- نظر داشته است که گوید:

و مِنْ عَيْنٍ مُّكْحَلَةٍ الْأَمَاقِي بِلا كُحْلِ و مِنْ كُشْحٍ هَضِيمِ

(اصفهانی، ۲۰۰۸: ۸۴/۶)

«از چشمی که محل ریزش اشک آن، کبود است، بدون اینکه بر آن سرمه‌ای کشیده شده باشد و از کمری باریک».

۲-۲۱. جَنَّةٌ تَرَعَاهَا الْخَنَازِيرُ (ص ۱۷۵)

از امثال عرب است (ر.ک: میدانی، دت: ۱۹۰/۱). ثعالبی وجه تسمیه آن را چنین بیان می‌کند: «يُضْرَبُ لِلْبَلَدَةِ الْحَسَنَاءِ يَسْكُنُهَا اللَّثَامُ» (ر.ک: ثعالبی، ۱۹۸۱: ۳۵۹) «این مثل برای سرزمینی زیبا که زیونان ساکن آنند، آورده می‌شود».

۲-۲۲. الْكَرِيمُ حَمُولٌ وَاللَّيْمُ حَمُولٌ (ص ۱۷۶)

صاحب روض الأخیار بدون انتساب و با اختلاف در ضبط واژه «محمول» به جای «خمول» که ظاهراً صورت صحیح و معنای مقبول همین باشد آن را بیان کرده است (ر.ک: ابن الخطیب قاسم، ۱۴۲۳: ۷۲).

۲-۲۳. لِكُلِّ قَوْمٍ يَوْمٌ (ص ۱۸۰)

از امثال عربی است (ر.ک: ثعالبی، ۱۹۸۱: ۲۴۵ و ثعالبی، بی‌تاب: ۲۸ و نویری، ۱۴۲۳: ۱۵۰/۱)

۲-۲۴. وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّرَائِرِ وَيَدْرِكُ مَا فِي الضَّمَائِرِ (ص ۱۸۱)

اقتباس است از آیات شریفه قرآن کریم که به جهت پرهیز از اطاله کلام، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ» (بقره: ۲۳۵)، «وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ» (احزاب: ۵۱)، «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (آل عمران: ۱۱۹، مائده: ۷، لقمان: ۲۳)، «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (غافر: ۱۹)، «قُلْ إِنْ تُخْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ» (آل عمران: ۲۹)، «وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَ مَا يُعْلِنُونَ» (نمل: ۷۴) و...

۲-۲۵. مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ (ص ۱۸۵)

کلام رسول خدا(ص) است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲/۲) و در برخی منابع آن را از سخنان ولی خدا علی(ع) آورده‌اند (ر.ک: آمدی، ۱۴۱۰: ۵۸۸ ش ۳۰۱ و ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۹۲/۲۰ ش ۳۳۹ و لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۳۰ ش ۷۳۴۸).

۲-۲۶.

فَالْقَلْبُ يَدْرِكُ مَا لَا يَدْرِكُ النَّظْرُ وَالْقَلْبُ أَوْدَعَ فِيهِ السَّمْعُ وَالْبَصَرُ

(ص ۱۹۰)

مصرع اول با اختلاف «البصر» به جای «النظر» که در حکم امثال سائره می‌باشد به «قاضی حسن بن علی بن عبدالعزیز» منتسب است (ر.ک: ثعالبی، ۱۹۸۱: ۱۲۳؛ نویری، ۱۴۲۳:

۱۱۳/۳) و شاعرانی چون «بهاء‌الدین زهیر» (ر.ک: بهاء‌الدین زهیر، ۱۹۶۴: ۱۶۱)، «عزالدین أحمد بن عبدالدائم» (ر.ک: صفدی، ۲۰۰۷: ۵۵)، «ابن عبدالدایم حنبلی» (ر.ک: صفدی، ۲۰۰۰: ۲۳/۷)، «شاطبی» (ر.ک: ثعالبی، د.ت: ج: ۲۸۳) و دیگران بدان استشهد نمودند.

## ۲-۲۷.

لَيْسَ الشَّتَاءُ مِنَ الْجَلِيدِ جُلُودًا      فَالْبَسَ فَقَدَ بَرَدَ الزَّمَانُ بُرُودًا  
كَمْ مُؤْمِنٍ قَرَصَتْهُ أَظْفَارُ الشَّتَا      فَغَدَا لِأَصْحَابِ الْجَحِيمِ حَسُودًا  
و تَرَى طُيُورَ الْمَاءِ فِي أَرْجَائِهَا      تَخْتَارُ حَرَّ النَّارِ وَ السَّفُودَا  
وَ إِذَا رَمَيْتِ بِسُورِ كَأْسِكَ فِي      عَادَتْ عَلَيْكَ مِنَ الْعَقِيقِ عُقُودَا  
يَا صَاحِبَ الْفُودَيْنِ لَا تُهْمِلْهُمَا      حَرِّقْ لَنَا عُودًا وَ حَرِّكْ عُودَا

(صص ۱۹۳ و ۱۹۴)

با اختلاف اندک در بعضی الفاظ، از «باخرزی» است که در آن به وصف زمستان و سرما پرداخته است (ر.ک: یاقوت حموی، ۱۹۹۳: ۱۶۸۳/۴).

## ۲-۲۸.

الدَّهْرُ ذُو دَوْلٍ وَ الْمَوْتُ ذُو نُوبٍ      وَ نَحْنُ مِنْ حَدَثَانِ الْمَوْتِ فِي كُرْبِ  
فَكَيْفَ يَفْرَحُ شَخْصٌ فِي رَفَاهِيَةٍ      وَ بَيْنَ جَنَبِيهِ يَدْعُو هَادِمَ الطَّرْبِ

(ص ۱۹۸)

(الدَّهْرُ ذُو دَوْلٍ) در شمار ضرب‌المثل‌های عربی وارد شده (ر.ک: ثعالبی، ۱۹۸۱: ۲۴۶) که توسط بسیاری از ارباب ادب تضمین شده است.

تعبیر (الدَّهْرُ ذُو نُوبٍ) در اشعار «کمیت بن زید اسدی» - از شاعران برجسته شیعه که سروده‌هایش درباره اهل بیت (ع) معروف است - و «دیک‌الجن حمصی» - از شاعران بزرگ شیعه در عصر عباسی - به کار رفته است (ر.ک: کمیت بن زید اسدی، ۲۰۰۰: ۹۷ ش ۱۲۶ و دیک‌الجن حمصی، د.ت: ۳۲).

(هَادِمُ الطَّرْبِ) که کنایه از مرگ است، به صورت دیگر، در سخن پیامبر (ص) دیده می‌شود؛ آنجا که فرمودند: «أَكْثَرُوا مِنْ ذِكْرِ هَادِمِ اللَّذَاتِ» (ر.ک: ابن ماجه، ۲۰۰۹: ۳۲۶/۵ ح ۴۲۵۸) «ویران‌کننده خوشی‌ها را بسیار یاد کنید» یا «أَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ، فَإِنَّهُ هَادِمُ اللَّذَاتِ، حَائِلٌ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الشَّهَوَاتِ» (ر.ک: شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۸ و ۵۲۲ و ۸۷۴) «مرگ را

فراوان یاد کنید؛ زیرا که آن ویران‌کننده خوشی‌ها و مانع میان شما و خواسته‌هایتان است». ناگفته نماند آن را در شمار کلمات قصار امام علی<sup>(ع)</sup> نیز آورده‌اند (ر.ک: لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۸۸ ش ۲۰۹۴).

## ۲-۲۹. و مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ (ص ۱۹۹)

آیه شریفه قرآن مبین است (آل عمران: ۱۴۴). خداوند عزوجل در ردّ عقیده اهل تثلیث، همین تعبیر را درباره حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> متذکر می‌گردد و می‌فرماید: «مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ» (مائده: ۷۵).

## ۲-۳۰. و الْفَاضِلُ مَنْ عُدَّتْ سَفَطَاتُهُ وَأُحْرِزَتْ مُلْتَقَطَاتُهُ (ص ۲۱۴)

این سخن زبانزد خاص و عام از «احنف بن قیس» است که فراوان در کتب قدماء، با اختلاف در ضبط «الشریف / الكامل / السید / العالم / السعید / العاقل / الکریم» به جای «الفاضل» و «حُصِّلَتْ هَفَوَاتُهُ / قَلَّتْ عَثْرَاتُهُ / حُفِظَتْ هَفَوَاتُهُ و قَلَّتْ أَسْرَاتُهُ» به جای «أُحْرِزَتْ مُلْتَقَطَاتُهُ» بدان استشهاد شده است (ر.ک: جاحظ، ۱۹۶۴: ۱۴۰/۱ و سیرافی، ۱۹۶۶: ۶۱ و راغب اصفهانی، ۱۴۲۰: ۳۶۸/۱).

کلام احنف تداعی‌کننده این بیت «نابغه ذبیانی» است که بی‌شک چه نیکو سروده:

و لَسْتَ بِمُسْتَبِقٍ أَحَا لَا تَلْمُهُ عَلَى شَعَثٍ، أَيُّ الرِّجَالِ الْمُهْدَبُ؟

(ذبیانی، ۱۹۸۵: ۷۴)

«و تو نگهدارنده دوستی که اصلاح‌کننده عیبش نباشی، نیستی. کدام یک از انسانها، پیراسته‌اند؟».

نیز یادآور این بیت معروف منسوب به «علی بن جهم» (فوق ۲۴۹هـ) یا «یزید بن محمد مهلبی» (فوق ۲۵۹هـ) یا «بشار بن برد» است که گفته:

و مَنْ ذَا الَّذِي تُرَضِي سَجَايَاهُ كُلُّهَا؟ كَفَى الْمَرْءَ نُبْلًا أَنْ تُعَدَّ مَعَايِهِ

(ر.ک: علی بن جهم، ۱۹۸۰: ۱۱۸ و ثعالبی، ۱۹۸۱: ۹۳ و همو، ۱۹۰۱: ۱۰۰ و جراوی تادلی،

۱۹۹۱: ۱۲۴۷/۲ و ابن حجه حموی، د.ت: ۸۷/۳ و ۸۸ و نویری، ۱۴۲۳: ۹۴/۳؛ بستانی، ۱۹۹۸: ۱۱/۳)

«و کیست که همه ویژگی‌های او پسندیده باشد؟ برای انسان همین بس که

عیب‌هایش اندک باشد».

## ۲-۳۱. إِنَّ فِي الْقُرْآنِ لَحَنًا سَتُّيْمَهَا الْعَرَبُ بِأَلْسِنَتِهَا (ص ۲۱۴)

مصحح محترم کتاب، به مأخذ کلام اشاره کرده‌اند؛ اما شایان ذکر است که برای تأیید ضمیر در جمله (سَتُّيْمَهَا) وجهی نیست و یقیناً تصحیفی در ضبط کلمه صورت گرفته و شکل صحیح آن: (سَتُّيْمُهُ) است که می‌بایست در چاپ بعدی کتاب اصلاح گردد.

## ۳. نتیجه

همان‌گونه که از شاخصه‌های اصلی نمونه‌های نثرهای مصنوع موجود در ادبیات فارسی، به‌کارگیری واژگان مهجور و استفاده از آیات، احادیث، اشعار و امثال عربی است؛ در بررسی ابیات و عبارات عربی مقامات حمیدی، مشخص گردید نویسنده کتاب، از میراث ادبی ارزشمند پیشینیان، به‌ویژه از گنجینه بی‌پایان قرآن و حدیث اثرپذیرفته است. آنچه از میان انبوه اشعار و عبارات عربی این اثر، ملموس و قابل توجه است، میزان ابتکار و بهره‌گیری از تراوشات ذهنی خود است. از میان ۲۹۸ بیت آمده در این تألیف، فقط ۲۵ بیت به شکل کامل یا اشاره‌وار از شاعران و ادیبان پیشین اخذ شده است و بیشتر اقتباس‌های نویسنده از امثال، آیات و احادیث می‌باشد.

## منابع

قرآن کریم.

آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر نعر الحکم و دُرر الکلم، محقق جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.  
آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، نعر الحکم و دُرر الکلم، محقق سیدمهدی رجائی، چاپ دوم، قم، دارالکتاب اسلامی، ۱۴۱۰.

ابراهیمی حریری، فارس، مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.  
ابشیهی، شهاب‌الدین محمد بن أحمد بن منصور أبوالفتح، المستطرف فی کل فنّ مستطرف، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۹.

ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین‌الدین، عوالی اللئالی، تقدّم السید شهاب‌الدین النجفی المرعشی، تحقیق الحاج آقا مجتبی‌العراقی، قم، مکتبه سید الشهداء، ۱۴۰۵.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نوح البلاغة، محقق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴.

ابن اثیر، ضیاء‌الدین بن الأثیر نصرالله بن محمد، المثل السائر فی أدب الکاتب و الشاعر، المحقق أحمد الحوی و بدوی طبانة، القاهرة، دار نضمة مصر للطباعة والنشر والتوزیع، د.ت.

- ابن الجهم، علي، ديوان علي بن الجهم، عني بتحقيقه خليل مردم بك، الطبعة الثانية، بيروت، دار الآفاق الجديدة، ١٤٠٠.
- ابن حجة حموي، تقي الدين بن علي، خزائن الأدب و غاية الأرب، محقق كوكب دياب، بيروت، دار صادر، د.ت.
- ابن الخطيب قاسم، محمد بن قاسم، روض الأختيار المنتخب من ربيع الأبرار، حلب، دارالقلم العربي، ١٤٢٣.
- ابن راهويه، أبو يعقوب إسحاق بن إبراهيم، مُسند إسحاق بن راهويه، المحقق د. عبدالغفور بن عبدالحق البلوشي، المدينة المنورة، مكتبة الإيمان، ١٤١٢.
- ابن سلام، أبو عبيد القاسم بن سلام بن عبدالله الهروي البغدادي، غرب الحديث، المحقق د. محمد عبدالمعبد خان، حيدر آباد- الدكن، مطبعة دائرة المعارف العثمانية، ١٩٦٤.
- ابن شعبه حراني، حسن بن علي، تُحَف العقول، محقق علي أكبر غفاري، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ١٤٠٤.
- ابن معصوم، السيد علي صدرالدين بن معصوم المدني المعروف بعلي خان بن ميرزا أحمد، أنوار الريع في أنواع البديع، حققه شاکر هادي شکر، النجف الأشرف، مطبعة النعمان، ١٩٦٩.
- أبو حيان توحيدى، علي بن محمد بن العباس، الأمتاع و الموائسة، بيروت، المكتبة العنصرية، ١٤٢٤.
- ابوالفرج اصفهاني، علي بن الحسين، كتاب الاغاني، تحقيق احسان عباس و ابراهيم سعايفين و بكر عباس، الطبعة الثالثة، بيروت، دار صادر، ١٤٢٩.
- ابو نواس، الحسن بن هانئ الحكمي، ديوان، تحقيق غريغور شولر، المطبعة الكاثوليكية، ١٤٠٢.
- ابو هلال عسكري، الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعيد بن يحيى بن مهران العسكري، جَمَهرة الأمثال، بيروت، دارالفكر، د.ت.
- أحمد بن حنبل، أبو عبدالله أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني، مُسند الامام أحمد بن حنبل، المحقق شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد و آخرون، مؤسسة الرسالة، ١٤٢١.
- باخرزي، علي بن الحسن بن علي بن أبي الطيب أبو الحسن، دُمية القصر و مُحصرة أهل العصر، بيروت، دار الجليل، ١٤١٤.
- بستاني، فؤاد أفرام، المجاني الحديثة عن مجاني الأب شيخو، الطبعة الرابعة، قم، ذوي القربى، ١٩٩٨.
- بهاء الدين زهير، ديوان، بيروت، دار صادر و دار بيروت، ١٩٦٤.
- ثعالي، أبو منصور عبدالملك بن محمد، الاعجاز و الايجاز، القاهرة، مكتبة القرآن، د.ت، الف.
- \_\_\_\_\_، التمثيل و المحاضرة، المحقق عبدالفتاح محمد الحلو، الطبعة الثانية، تونس، الدار العربية للكتاب، ١٤٠١.
- \_\_\_\_\_، خاصّ الخاص، المحقق حسن الأمين، بيروت، دار مكتبة الحياة، د.ت، ب.
- \_\_\_\_\_، اللطائف و الظرائف، بيروت، دار المناهل، د.ت، ج.



- \_\_\_\_\_، المنتحل، المحقق الشيخ أحمد أبو علي، المطبعة التجارية، عزوزي وجاويش، الإسكندرية، ١٣١٩.
- ثعلي، أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلي أبو إسحاق، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، تحقيق الإمام أبي محمد بن عاشور، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ١٤٢٢.
- جاحظ، عمرو بن بحر، رسائل الجاحظ، تحقيق و شرح عبدالسلام محمد هارون، القاهرة، مكتبة الخانجي، ١٣٨٤.
- جزاوي تادلي، أبو العباس أحمد بن عبدالسلام، (الحماسة المغربية) مختصر كتاب صفوة الأدب و نخبه ديوان العرب، المحقق محمدرضوان الداية، بيروت، دارالفكر المعاصر، ١٩٩١.
- حرّ عاملي، أمل الاميل، تحقيق السيد أحمد الحسيني، بغداد، مكتبة الأندلس، د.ت.
- حموي، شهاب الدين أبو عبدالله ياقوت بن عبدالله الرومي الحموي، معجم الادباء، إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب، المحقق إحسان عباس، بيروت، دارالغرب الإسلامي، ١٤١٤.
- حميدالدين بلخي، قاضي ابوبكر محمد بن عمر، مقالمات حميدى، با تصحيح و تعليقات د. رضا انزابي نژاد، تهران، مركز نشر دانشگاهي، ١٣٦٥.
- خاتمي پور، حامد، «مأخذ و گویندگان اشعار عربي سندنادنامه»، بيك نور، سال هشتم، ش ٢، صص ٧٥-٨٢، تابستان ١٣٨٩.
- خويي، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، چاپ پنجم، قم، مركز نشر الثقافة الإسلامية، ١٣٧٢.
- دهندا، علي اكبر، امثال و حكم، تهران، اميركبير، ١٣٨٣.
- ديك الجن حمصي، ابو محمد عبدالسلام بن رغبان، ديوان ديك الجن، حقه د. احمد مطلوب و عبدالله الجبوري، بيروت، دارالثقافة، د.ت.
- ذبياني، نابغه، ديوان، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم، الطبعة الثانية، القاهرة، دارالمعارف، ١٩٨٥.
- ذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد، تاريخ الإسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، تحقيق د. عمر عبدالسلام تدمري، بيروت، دارالكتاب العربي، ١٤١٠.
- رازي، منتجب الدين علي بن عبیدالله بن بابويه، الفهرست، محقق جلال الدين حسيني ارموي محدث، قم، كتابخانه عمومي آيت الله العظمي مرعشي نجفي، ١٤٢٢.
- راغب اصفهاني، أبو القاسم الحسين بن محمد، محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلاغ، بيروت، شركة دار الأرقم بن أبي الأرقم، ١٤٢٠.
- زبيدي، أبو الفيز محمد بن محمد بن عبدالرزاق الحسيني، الملّقب بمرئضى الرّبيدي، تاج العروس من جواهر القاموس، المحقق مجموعة من المحققين، دار الهداية، د.ت.
- زخشري، أبو القاسم محمود، ربيع الأبرار و نصوص الأخيار، بيروت، مؤسسة الأعلمي، ١٤١٢.
- ساكت، سلمان، «پژوهشی در اشعار عربي مقدمه و خاتمه تاريخ بيهق»، پژوهشنامه زبان و ادب فارسي (گوهر گویا)، دوره چهارم، ش ٢ (پیاپی ١٤)، صص ١٥٦-١٢٥، تابستان ١٣٨٩.

- سپهر، محمدتقى لسان الملك، *ناسخ التواريخ - حضرت امام حسن مجتبیٰ (ع)*، به تصحيح و حواشى محمدباقر بهبودى، چاپ چهارم، تهران، كتابچى، ۱۳۸۴.
- سري الرقاء، السري بن أحمد بن السري الكندي الرقاء، *المحبّ و المحبّ و المشروب و المشموم و المشروب*، تحقيق مصباح غلاونجي، دمشق، مطبوعات مجمع اللغة العربية بدمشق، ۱۴۰۷.
- سعدى، مصلح بن عبدالله، *كليات سعدى*، تصحيح، مقدمه، تعليقات و فهرس: بهاءالدين خرّمشاهى، تهران، دوستان، ۱۳۸۳.
- سنايى، مجدود بن آدم، *ديوان حكيم سنابى غزنوى بر اساس معتبرترين نسخه ها*، با مقدمة استاد بديع الزمان فروزانفر، به اهتمام پرويز بابايى، تهران، نشر آزاد مهر، ۱۳۸۱.
- سيدمحسن أمين، *أعيان الشيعة*، تحقيق حسن الأمين، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳.
- سيراى، الحسن بن عبدالله بن المرزبان السيراى أبو سعيد، *أخبار النحويين البصريين*، المحقق طه محمد الزينى و محمد عبدالمنعم خفاجى، ۱۳۷۳.
- شريف رضى، *ديوان*، شرحه و علق عليه و ضبطه د. محمود مصطفى حلاوي، بيروت، شركة دار الأرقم بن أبي الأرقم، ۱۴۱۹.
- شميسا، سيروس، *انواع ادبى*، چاپ سوم، تهران، فردوسى، ۱۳۷۳.
- شيخ صدوق، ابن بابويه، محمد بن على، *من لا يحضره الفقيه*، محقق و مصحح على اكبر غفارى، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمية قم، ۱۴۱۳.
- شيخ طوسى، محمد بن الحسن، *الأمالى*، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴.
- صغدي، صلاح الدين خليل بن أيبك، *تكت الهميان في نكت الهميان*، علق عليه و وضع حواشيه مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۸.
- \_\_\_\_\_، *الوافى بالوقفيات*، المحقق أحمد الأرنؤوط و تركي مصطفى، بيروت، دار إحياء التراث، ۱۴۲۰.
- طبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الآملي أبو جعفر، *جامع البيان في تأويل القرآن*، المحقق أحمد محمد شاكر، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰.
- ظهيري سمرقندى، محمد بن على، *سندباد نامه*، مقدمه، تصحيح و تحقيق محمدباقر كمال الدينى، تهران، مركز پژوهشى ميراث مكتوب، ۱۳۸۰.
- عبدالرزاق، أبوبكر عبدالرزاق بن همام بن نافع الحميري اليماني الصنعاني، *تفسير عبد الرزاق*، دراسة و تحقيق د. محمود محمد عبده، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۹.
- عبيدي، محمد بن عبدالرحمن بن عبدالمجيد، *التأذكرة السعدية في الأشعار العربية*، تحقيق عبدالله الجبوري، النجف الأشرف، مطابع النعمان، ۱۳۹۱.

عجلوني، إسماعيل بن محمد العجلوني الدمشقي أبو الفداء، كشف الخفاء و مُزيل الالباس عمّا اشتهر من الأحاديث على ألسنة الناس، تحقيق عبد الحميد بن أحمد بن يوسف بن هندواوي، المكتبة العصرية، ۱۴۲۰.

كمال جو، مصطفى و علي رضا پورشبانان، «نگاهی به ابیات و عبارات عربی دیوان دهخدا»، پژوهش‌های ادبی، ش ۲۶، صص ۱۴۷-۱۳۱، زمستان ۱۳۸۸.

کمیّت بن زید أسدي، دیوان، جمع و شرح و تعلیق د. محمدنبیل طریفی، بیروت، دار صادر، ۲۰۰۰.  
لیثی واسطی، علی بن محمد، عُیون الحِکم و المواعظ، محقق حسین حسینی بیرجندی، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۶.

مالک بن أنس، الموطأ، المحقق محمد مصطفى الأعظمي، أبوظبي، مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان للأعمال الخيرية والإنسانية، ۱۴۲۵.

متنبّي، احمد بن الحسين الجعفي الكوفي ابو الطيب، ديوان المتنبّي، بيروت، دار بيروت، ۱۴۰۳.  
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، محقق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳.

محدث نوري، حاج ميرزا حسين نوري، مُستدرک الوسائل، الطبعة الثانية، بيروت، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۸.

مسلم، ابوالحسن مسلم بن الحجاج، صحيح مسلم، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، القاهرة، دار الحدیث، ۱۴۱۲.

ملطوي، محمدغازي، روضة العقول، تصحيح د. محمد روشن و جليل پور، تهران، نشر آثار، ۱۳۸۳.

مفضل ضبي، المفضل بن محمد بن يعلى بن سالم الضبي، المفضليات، تحقيق و شرح أحمد محمد شاكر و عبدالسلام محمد هارون، القاهرة، دار المعارف، د.ت.

مهدوی دامغانی، احمد، «مأخذ ابیات عربی مرزبان نامه»، یغما، ش ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۲۱ و ۲۲۳ و ۲۲۶ و ۲۳۴ و ۲۳۵، ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶.

\_\_\_\_\_، «یادداشت‌هایی درباره ابیات عربی کلّیله بهرام‌شاهی و مأخذ و گویندگان آن ابیات»، یغما، ش ۱۶۹ و ۱۷۱ و ۱۷۳ و ۱۷۵ و ۱۷۸ و ۱۸۲ و ۱۸۴ و ۱۸۸، ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲.

میدانی، ابوالفضل احمد بن محمد بن إبراهيم الميداني النيسابوري، مجمع الأمثال، المحقق محمد محیی‌الدین عبد الحمید، بیروت، دار المعرفة، د.ت.

نویری، احمد بن عبد الوهاب بن محمد بن عبدالدائم القرشي التيمي البكري شهاب‌الدین، نهایة الأرب فی فنون

الأدب، القاهرة، دارالکتب والوثائق القومية، ۱۴۲۳.

واعظ، سعید، «ابیات عربی نامه‌های عین القضاة همدانی»، متن پژوهی ادبی، دوره ۸، ش ۲۱، صص ۲۷-۱، ۱۳۸۳.

\_\_\_\_\_، «پژوهشی در اشعار عربی تاریخ جهانگشای جوینی»، متن پژوهی ادبی، ش ۲۵، صص ۱-۳۱، ۱۳۸۴.

\_\_\_\_\_، «پژوهشی در اشعار عربی مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه»، پژوهش‌های ادبی، ش ۵، صص ۱۶۴-۱۴۷، ۱۳۸۳.